

متن کدگذاری (و استثنا)

نوروز بود، دوباره خورشیدِ زیبا زمین را روشن کرده بود. خروس به زمین نوک می زد و جو می خورد. خودم مانتوی خوش رنگ و نو را پوشیدم و از بابا دو خودکار، کادو گرفتم. مامان سبزی پلوی خوش مزه با سالاد گوجه درست کرده بود. پس از خوردن، سوار اتوبوس شدیم و به دریا برای دیدن موج رفتیم.

تشدید			خوا			أ — و أ استثنا	
جاده	مَكَّة	نَجَار	خواهرمان	خواستند	خوانا	می خورد	تو
مُرَبِّي	مَجَلَّة	كَفَّاش	خواهرتان	می خواهم	خواننده	می خوریم	خود
شِدَّت	نَقَّاشِي	أَمَّا	خواهرشان	می خواهی	خواندن	می خورید	خودم
مُوقِّق	كَفَّاشِي	بِجَه	خواب	می خواهید	خواندم	می خورند	خودت
يَلِي	مُعَلِّم	قَنَاد	خواهیدن	می خواهیم	خواندی	نوزاد	خودش
سَجَادَة	دُكَّان	تَشْكُرُ	خواهیدم	می خواهید	خواند	نوروز	خودتان
مُرْتَب	لِذَّت	بَنَّا	خواهیدن	می خواهند	خواندیم	مترو	خودمان
مُخَلِّ زَنْدَگِي	ثُرَيَّا	نَقَّاش	خواهید	می خواستم	خواندید	نوک	خودشان
بِقَالِي	تَهِيَّة	دِقَّت	خواهیدیم	می خواستی	خواندند	گوجه	خودکار
تَه	عُصَّة	بَلَّه	خواهیدید	می خواست	کتاب خوانی	نخودی	خودنویس
دَكَّة	مُدَّتِي	سِيَكَة	خواهیدند	می خواستیم	گوشت خوار	خورشید	خوش
گَلَّه	مُحَمَّد	أَرَه	تخت خواب	می خواستید	گیاه خوار	دو	خوش رفتار
بِكَّة	أَوَّل	زَرَّافَه	خوار	می خواستند	أَسْتُخَوَان	دوچرخه	خوش نام
بِرَاق	أَوَّلِي	مُقَوَّا	خواری	خواستگار	خواهش	دوباره	خوش بخت
قَلَّاب	نَجَّارِي	قَلَّك		خواربار	خواستم		خوش حال
خَفَّاش	بِرَّاز	تَوَلَّد		خواهر	خواستی		خوش مزه
إِتْفَاق	مُدَّت	قِصَّة		خواهرم	خواست		خوراک
مِلَّت	بِقَال	مُحَبَّت		خواهرت	خواستیم		می خورم
جَدِي	تَوَجَّه	قُلَّه		خواهرش	خواستید		می خوری

ض ض ض	ح ح ح	ث ث ث	ع ع ع ع ع		ذ ذ ذ	ص ص ص	
رِضَا	إِحْسَاس	ثَانِيَه	دُعَا	عَلِي	أَذَان	صَد	صَابُون
مَرِيض	خَلْزُون	ثُرَيَّا	شُعَار	عَادَت	مُغْذِّثَة	صَنْدَلِي	صَنْدَف
بَعْضِي	خَرَكْت	مِثْل	بَعْضِي	مَعْصُومَة	لِذَّت		صُبْح
وَضُوء	صُبْح	كَثِيف		عُلُوم	أَذْر		صَاف
حُوض	حَيَوَان	لَثَة		بَعْد	دَلِيذِير		صِيْدَا
رِيَاضِي	خُوش حَال	ثِرْوَت		تَعْرِيف	دُرَّت		صَنْدُوق
	حُولَة	ثَبِتِ نَام		جَمْع	لَذِيذ		صَبَا
	مُحَمَّد	مِثَال		مُرَبِّع	ذَرَّة بَيْن		مَخْصُوص
	صُبْحَانَة	أَثَاث كِيشِي		شُرُوع	مِي غُذَارْد		صَف
	خَرْف	مُتَلِّك		شِعْر	مُغْذَّاشْت		صَبْر
	خَمَام	أَثْر		مُعَلِّم	بَذْر		قِصَّة
	رَاخْت	أَثَار		عَزِيْز			شَمِصْت
	تَفْرِيح	مَبِيعْت		بَاعِث			صِيفِر
	صُحْبَت			عَيْنِك			فَصْل
	خِيَاط			سَاعَت			صُورَت
	حَالَا			عَرُوسِك			صُبْحَانَة
	بِمَسَاح			عَرُوس			مَعْصُومَة
	رَحْمَت			مَبِيعْت			عُصَّة
	مُحَبَّت			مَزْرَعَة			صَابِر

خوش	خورد	خود	نو	دو
خوش مزه	خوردن	خودکار	نوک	دوشنبه
خوش بو	می خورم	خودم	نوروز	دوباره
خوش رو	می خوری	خودت	نوزاد	
خوش اخلاق	می خورد	خودش	نوبت	
خوش آواز	می خوریم	خودمان		
	می خورید	خودتان		
	می خورند	خودشان		

خورشید، روشن، موز، تو، جو، کادو.